

نشر

معرفی کتاب

تهیه و تنظیم:

مهدی حمادی

دانش پژوه رشته تخصصی فقه و اصول ورودی ۸۴

شماره هفتم و هشتم

نشریه نشر

مقدمه

یکی از مطالبی که برای عموم طلاب، خصوصاً پژوهشگران و محققان لازم است، آشنائی با کتاب های خوب در عرصه فقه و مبانی اجتهاد است. از همین رو در این بخش بر آنیم کتابهای مرتبط با حوزه فقه و اجتهاد را به صورت اجمالی در چهاربخش: ۱- شناسنامه کتاب ۲- گزارشی از محتوای کتاب ۳- نگاهی به منابع کتاب ۴- نمونه ای از مطالب کتاب تهیه و تنظیم نماییم.

۱- قاعده حیات با رویکرد اقتصادی

الف: شناسنامه کتاب

نام کتاب: قاعده حیات با رویکرد اقتصادی

مؤلف: حسن نظری

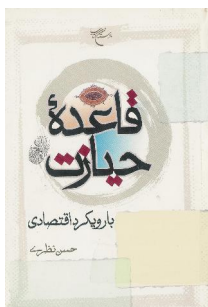
ناشر: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات

اسلامی حوزه علمیه قم)

چاپ: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول

سال نشر: ۱۳۸۵

بهاء: ۱۶۰۰



ب: گزارشی از محتوای کتاب:

منابع طبیعی منقول که در قلمرو مباحات عامه قرار دارند و با عمل حيازت قابل تملك‌اند، گستره وسیعی دارد، زیرا ثروت‌های دریایی، جنگل‌ها، معادن و این گستره را شکل می‌دهند. بنابراین بخش مهمی از ثروت‌های ملی هر جامعه‌ای در حوزه مباحات عامه قرار دارند. در زمان تشریع حقوق اسلامی ابزار حيازت این منابع، ساده و ابتدایی بود، به همین جهت هر فردی به مقدار محدودی می‌توانست تملك نماید ولی حيازت بدون قید و شرط در زمان فعلی با پیشرفت تکنولوژی، آثار و پیآمدهایی چون: از بین رفتن فرصت بهره‌برداری دیگران، تخریب محیط زیست و را به دنبال دارد و از این رو این جهت تامین مصالح ملتها به عهده دارند و اسلام در این باره عنصر جدیدی را که مغایر با موضوع فقه باشد وضع نکرده است حتی پیامبر ﷺ که حکم کرده هر یک از احیا و حيازت سبب تملك می‌باشد، امر جدیدی نیز نمی‌باشند، زیرا سایر دولت‌ها نیز احیانا چنین اجازه‌ای را می‌دهند.

بنابراین سر کوه‌ها، دشت‌ها، زمین‌های خراب، نیزارها، معادن، اراضی که صاحبان آنها از بین رفته‌اند و یا کوچ کرده‌اند، ارث بدون وارث مشخص، با یک عنوان و یک ملاک در ملکیت امام علیه السلام قرار دارد و آن ملاک، صاحب خاص نداشتن این منابع است نه اینکه آنها عناوین مختلف باشند و ملکیت آنها ملاک‌های متفاوت داشته باشد. این عناوین به ظاهر مختلف، دخالتی در ملکیت امام علیه السلام ندارد بلکه یک عنوان، موضوع ملکیت امام است و این عناوین دارای مصادیق گوناگون است از عبارت فوق استفاده می‌شود، ثروتی که مالک خاص ندارد ثروت ملی «عمومی» به حساب می‌آید و ولایت و مالکیت آن به عهده حاکمیت جامعه اسلامی است ولی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بهره‌برداری از آنها را مباح ساخته است، آن چنان که دیگر دولت‌ها چنین اجازه‌ای را می‌دهند. بنابراین اباحه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به انفال و مباحات اصلی، مطلقاً یک حکم ولایی و

حکومتی است و پیامبر ﷺ نسبت به انفال و مباحات اصلی بر اساس همین ملاک، اباحه و اجازه بهره‌برداری داده است.

بخشی از ثروت‌های طبیعی که با حیازت قابل تملک است، توزیع آنها از جهت حقوقی، اقتصادی اهمیت به سزایی دارد و طبعاً مباحثی همچون ماهیت حیازت، اصالت حیازت کننده یا قابلیت حیازت، جهت نیابت و در جوامع فعلی از مسائل حیاتی و سرنوشت ساز به حساب می‌آید که در این نوشتار به طور فشرده بررسی می‌شود.

این کتاب شامل دو بخش می‌باشد که بخش اول این مباحث را در بردارد: تعریف و ماهیت حیازت، نظریه ایقاعی بودن حیازت، تفاوت قاعده حیازت و قاعده سبق، مبانی فقهی قاعده حیازت «سنت، سیره عقلاء»، عناصر و ارکان حیازت، شرایط حیازت کننده، عقل و رشد و بلوغ، قصد و اراده حیازت کننده اعتبار قصد تملک، عدم اعتبار قصد مالکیت، اصالت حیازت کننده، اعتبار مباشرت در حیازت کننده، عدم اعتبار مباشرت در حیازت کنند، تفصیل بین اجاره و کالت، نقد و بررسی اقوال تحقیق‌نمایی، موضوع حیازت، اصل اباحه عامه همه انفال از دیدگاه فقها، مبانی فقهی اصل اباحه و مفاد آن، شرایط موضوع حیازت: منقول بودن ثروت مورد حیازت، مسبوق نبودن ثروت طبیعی به حیازت دیگران، عدم منع حاکمیت اسلامی، عمل حیازت، حیازت مجهول المالک، اصطیاد، حیازت کنز و ثروت دریایی، احتشاش و احتطاب، استخراج انرژی از خورشید و آب».

بخش دوم: حیازت از دیدگاه اقتصادی شامل این مباحث است: ویژگی‌های مالکیت بخش عمومی، اهداف مالکیت بخش عمومی بر منابع طبیعی، محدودیت‌های توزیع درآمد ابتدایی.^۱

ج: نگاهی به منابع کتاب

منابع و مآخذ این کتاب ۴۳ منبع می‌باشد که بعضی از آنها عبارتند از: عوائد الایام، محاضرات فی الفقه الاسلامی، الرسائل، تهذیب الاحکام، تحریر الوسيلة، اقتصادنا، مستند العروه

الوثقی، شرایع الاسلام، ارشاد الطالب، السرائر، وسائل الشیعة، قواعد الاحکام، وسیلة النجاة.

د: نمونه‌ای از مطالب کتاب

نظریه ملی بودن انفال و مباحات عامه

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: متفاهم از مجموع روایات این است که ملک امام علیه السلام یک عنوان بیش نیست ولی بر مصادیق زیادی منطبق می‌گردد. در واقع ملکیت امام علیه السلام نسبت به این مصادیق بر اساس یک ملاک بیش نیست. این ملاک واحد است که منابع زیادی را موضوع ملکیت امام علیه السلام قرار داده است. این ملاک عبارت است از هر ثروتی که صاحب مشخصی و خاصی ندارد؛ چه این ثروت زمین باشد و چه غیر زمین. در بین دولت ما نیز همین مطلب رایج است چون معادن، نیزارها، زمین آباد، ارث کسی که وارث ندارد، خشکی، دریا و فضا که مالک خاصی ندارد در ملکیت و تصرف دولت‌ها می‌باشند؛ به عبارت دیگر این نوع ثروتها ملی است و دولت‌ها ولایت و سرپرستی آنها را دارند.

۲- فقه و فقهای امامیه در گذر زمان

الف: شناسنامه کتاب

نام کتاب: فقه و فقهای امامیه در گذر زمان

نویسنده: محمد حسن ربانی

ناشر: شرکت چاپ و نشر بین الملل

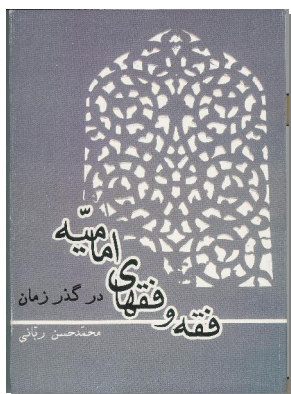
چاپ: چاپخانه سپهر، نوبت اول

سال نشر: بهار ۱۳۸۶

قطع: وزیری

بهاء: ۳۸۰۰ تومان

تعداد صفحات: ۴۰۵



ب: گزارشی از محتوای کتاب

از دیر باز دانشمندان و علما به موضوع شرح احوال و زندگی فقیهان توجه داشته‌اند و در این باره کتاب‌های مفصلی نوشته شده است اما بیشتر نوشته‌های مربوط به تاریخ فقه، تاریخی است و تحقیق درباره نوشته‌های فقهی فقها، تنها در پاره‌ای از آثار نویسندگان دیده می‌شود.

تحقق این مهم، تنها با فراهم آمدن مقدمات زیر خواهد بود:

۱- اطلاعات کافی و وافی از شرح حال هر فقیه نوشته شود.

۲- اطلاعات جامع و گسترده‌ای درباره نوشته‌های آنان گرد آوری شود.

۳- میزان تاثیر فقیهان پیشین بر فقیهان متاخر معلوم گردد.

نوشتار حاضر بدین منظور فراهم آمده و در نوع خود جدید است.

کتاب شامل بیست فصل می‌باشد:

۱- شرح اصطلاحات کتابهای فقهی

۲- روش بررسی تاریخ فقه و فقها که شامل چهار شیوه است. بررسی تاریخ فقههای شیعه بر

اساس ادوار زمانی؛ بررسی تاریخ فقههای شیعه بر اساس مکان که شامل مدرسه بغداد، نجف، حله،

جزین و جبل عامل، اصفهان، کربلا، دوران دیگری در مدرسه نجف، قم؛ بررسی مکتبی و مدرسه -

ی فقه که شامل: مکتب فقهی شیخ طوسی، مکتب محمد بن ادریس حلی مکتب محقق حلی،

مکتب فقه مقارن، مکتب شهیدین، مکتب محقق کرکی و فقه حکومتی، مکتب مقدس اردبیلی،

مکتب اخباری گری، مکتب وحید بهبهانی، مکتب فقهی اصولی شیخ انصاری و بررسی آراء و

نظریات فقیهان

۳- دوره اول: عصر تشریع «قرآن- سنت رسول خدا ﷺ - عقل - اجماع»

۴- دوره دوم: عصر ائمه علیهم السلام

۵- دوره سوم: انتقال فقه از عصر ائمه علیهم السلام به عصر فقیهان «مجتهدان-محدثان»

۶- عصر اجتهاد و گسترش فقه « شیخ مفید - سید مرتضی - شیخ طوسی رحمهم الله »

۷- عصر رکود اجتهاد « ابوالصلاح حلبی، سلاردیلمی، قطب الدین بیهقی کیدری، عبدالعزیز بن براج، علی بن حسن بن ابی المجد حلبی، ابن حمزه، قطب الدین راوندی، طبرسی، ابن زهره، معین الدین سالم بن بدران مصری رحمهم الله » .

۸- عصر انتقاد « محمد بن ادريس حلی، یحیی بن سعید حلی، خواجه نصیر الدین طوسی رحمهم الله » .

۹- عصر گسترش فقه « محقق حلی، حسن بن ابی طالب آبی، علامه حلی رحمهم الله »

۱۰- عصر شرح و بسط متون فقه « فخر الدین حلی، سید عمید الدین، شهید اول، ابن متوج بحرانی، فاضل مقداد، ابن فهد حلی، مفلح الدین حسن صیمری رحمهم الله » .

۱۱- عصر گسترش فقه حکومتی « محقق کرکی، شهید ثانی رحمهما الله » .

۱۲- عصر تحول فقه، اصول، رجال و پالایش حدیث « محقق اردبیلی، حسین بن عبد الصمد عاملی، شیخ حسن عاملی، محمد عاملی رحمهم الله » .

۱۳- عصر انشعاب فقه و پیدایش اخباری گری اخباریان شامل « حر عاملی، فیض کاشانی، محدث بحرانی رحمهم الله اصول گرایان شامل « فاضل جواد، محقق سبزواری، محقق خوانساری، بهاء الدین عاملی، میرداماد، آقا جمال خوانساری، فاضل هندی رحمهم الله » .

۱۴- عصر شکست اخباری گری « علامه وحید بهبهانی، بحر العلوم، ملامهدی نراقی، کاشف الغطاء، سید جواد عاملی، میرزا ابوالقاسم قمی، سید علی طباطبائی، اسدالله شوشتری، سید محمد مجاهد، علامه برغانی، سید عبدالله بشر، احمد نراقی، شفتی رحمهم الله » .

۱۵- عصر فقه جواهری.

۱۶- عصر تحول فقه و اصول « شیخ مرتضی انصاری رحمهم الله » .

۱۷- عصر نقد و کنکاش در آثار شیخ انصاری « ملا علی کنی، میرزای شیرازی،

آقارضا همدانی، محمد بن محمد تقی آل بحر العلوم، آیتی جازاری، سید کاظم یزدی، میرزا محمد تقی شیرازی، فتح الله اصفهانی، عبدالله بن محمد حسین مامقانی، آخوند خراسانی رحمته الله علیه.

۱۸- عصر نقد آرای آخوند و پیدایش سه مدرسه اصولی «نائینی، عبدالکریم حائری یزدی،

کمپانی، ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی، محمد حسین بروجردی، عبد الهادی شیرازی رحمته الله علیه.

۱۹- عصر معاصرین یا نقد و بررسی آراء سه مدرسه نجف «شیخ حسن حلی، سید محسن

حکیم، محقق داماد، محمد تقی آملی، سید محمود شاهرودی، میرزا حسن بجنوردی، محمد هادی

میلانی، محمد باقر صدر، احمد خوانساری، ابوالقاسم خویی، امام خمینی، محمد رضا گلپایگانی،

محمد علی اراکی، عبدالاعلی سبزواری، سید علی سیستانی، فاضل لنکرانی رحمته الله علیه.

۲۰- خاتمه: سبک نگارشی کتاب های فقهی.

ج: نگاهی به منابع کتاب

مؤلف در این کتاب از ۲۷۲ کتاب استفاده کرده است. برخی از آنها عبارتند از: اعیان

الشیعه، نقباء البشر، روضات الجنات، ریاض العلماء، الکنی و الالقاب، ریحانة الادب، مجالس

المؤمنین، مفاخر الاسلام، الذریعة، مقدمة الفوائد الحائریة، مقدمة ارشاد الازدهان، تاریخ ادوار فقه،

تاریخ فقه و فقهها، تاریخ الفقه الجعفری، تاریخ التشریع الاسلامی، شیخ بهائی در آینه عشق،

زند گینامه علامه مجلسی، نابغه فقه و حدیث.

د: نمونه ای از مطالب کتاب

نکاتی چند درباره مرحوم بروجردی رحمته الله علیه

۱- استاد مطهری رحمته الله علیه در مقاله «مرجعیت و روحانیت» درباره روش فقهی آیت الله

بروجردی رحمته الله علیه نوشته است که یکی از مزایا و امتیازاتش همین آشنایی با روش های فقهی در شیعه و

سنی بود. ایشان فقه را تقریباً به چهار دوره تقسیم می کردند:

اول) دوره ماقبل شیخ طوسی رحمته الله علیه.

دوم) دوره شیخ طوسی تا قرن دهم که مقارن با عصر شهید ثانی رحمته الله علیه است.

سوم) از زمان شهید ثانی رحمته الله علیه تا قرن اخیر.

چهارم) قرن اخیر.

۲- آیت الله بروجردی رحمته الله علیه در رجال تبحر داشتند و معتقد به ضرورت طبقات رجال بودند و در این زمینه مجموعه رجالی ارزشمندی را نیز تهیه کردند.

۳- آیت الله بروجردی رحمته الله علیه به شناخت فقه قدمای شیعه معتقد بود.

۴- آیت الله بروجردی رحمته الله علیه فقه چند فقیه شیعه را ممتاز دانسته است: شیخ طوسی، محقق حلی، علامه حلی، شهید اول و شهید ثانی رحمته الله علیه، زیرا آنها علاوه بر تسلط بر فقه شیعه، بر فقه سایر فقها و فرق اسلامی نیز تسلط داشته‌اند. از این جهت، خود بر فقه مذاهب عامه نیز تسلط داشته است. استاد مطهری رحمته الله علیه سپس این گونه نوشته است: معرفت رجال و حدیث شیعه و سنی از یک طرف و اطلاع بر فتاوا و فقه سایر فرقه‌های اسلامی از طرف دیگر، موجب می‌شد که گاه حدیثی طرح می‌شد و ابتدا یک معنی و مفهوم از آن به نظر می‌رسید ولی بعد معظم له تشریح می‌کرد که این شخص که این سوال را از امام علیه السلام کرده است اهل فلان شهر یا منطقه بوده و در آنجا مردم تابع فتوای فلان فقیه از فقهای عامه بوده‌اند و فتوای آن فقیه این بوده است و چون آن شخص در آن محیط بوده و آن فتوا در آن محیط شایع بوده، پس ذهن وی مسبوق به چنان سابقه‌ای بوده و مقصود از این سؤال این بوده است. وقتی که معظم له این جهات را تشریح می‌کرد و به اصطلاح روحیه وی را تحلیل می‌کرد، می‌دیدیم که معنی و مفهوم سؤال و جواب عوض می‌شد و حدیث شکل دیگری به خود گرفت.

۵- آیت الله بروجردی رحمته الله علیه معتقد بود که تقطیع روایات کار نیکویی نیست زیرا ممکن است در صدر روایت قرینه‌ای باشد که باعث تفسیر ذیل روایت شود و برعکس. بر همین اساس ایشان اعتقاد داشتند باید صدر و ذیل روایت را بررسی کرد تا فهم صحیحی از روایت بدست آید همین

امر باعث شد که کتاب جامع احادیث الشیعه را تالیف کنند، ایشان در این اثر، احادیث را به طور کامل نقل کرده است بر خلاف وسائل الشیعه که روایات را تقطیع نموده و سپس عبارت «سیأتی یا مرّ» را آورده است.

پی نوشت

^۱ قاعده حیازات، ص ۸۷-۸۵.